

## تفاوت بین پروتستان ها با ارتدوکس ها و کاتولیک ها

1- پروتستان ها با قدرت الهی پاپ مخالفند و برای پاپ مرجعیت و عصمت قائل نیستند یعنی عصمت پاپ را قبول ندارند و ریاست داشتن پاپ به تمام کلیساها را نمیپذیرند. پروتستانها هیچگونه و هیچ نوع مرجعیتی را قبول ندارند و به کشیشان و شبانان فقط به دید یک راهنما نگاه می کنند و تنها کتاب مقدس و اعمال رسولان (شاگردان عیسی مسیح) را مرجع خود می دانند.

2- در امور تشکیلات کلیسایی به نبوت کردن و پرشدن از روح القدس و به زبانها صحبت کردن و شفا دادن و تفسیر به رای آیات کتاب مقدس، در میان عموم مردم قائل می باشند و به چنین چیزهایی به آشکارا عمومیت می بخشند و تبلیغ می نمایند، در صورتی که در کاتولیک و ارتدکس این چنین مرسوم نیست و این امور فقط در دست کشیشان و اسقفان است و آنها هم چنین مراتبی را هرگز آشکار نمی کنند و آن را مخفی نگاه میدارند چون اعتقاد دارند که اگر شخصی به چنین چیزی بر اثر ایمان دست یافت یک چیز شخصی است نه عمومی و کاتولیکها و ارتدوکسها چنین حرکات و روشهای پروتستانها را فریب ، شارلاتان بازی و از شیطان می دانند.

3- پروتستانها برخلاف کاتولیکها و ارتدوکسها می گویند: مؤمنان برای ارتباط با خدا احتیاج به روحانیون ندارند و خود روح القدس معتقدین به عیسی مسیح را تعلیم می دهد، از اینرو، در رابطه با تفسیر و تبیین کتاب مقدس معتقدند که مؤمن به کمک روح القدس قادر به تفسیر و تبیین کتاب مقدس است بر این اساس هر مسیحی میتواند پیام کتاب مقدس را شخص خود دریابد یا در دعا باشد تا خداوند به وسیله روح القدس وی را تعلیم دهد یا مطلب را برایش باز (آشکار) نماید.

4- کشیشان فرقه پروتستان همانند ارتدوکسها ازدواج را بر خود حرام نمی دانند چون لوتر تأکید میکرد که باید به کشیشها اجازه زناشویی داده شود، ولی روحانیون کاتولیک از ازدواج نمودن منع شده اند.

5- اعتراف به گناه نزد پروتستانها واجب نیست و به اختیار است ولی در کاتولیکها و ارتدوکسها اعتراف هفتگی و ماهیانه و در هنگام مصیبت یا مرگ یا آلوده شدن به گناه یا وسوسه شدن به گناه لازم و ضروری است.

6- پروتستانها به شریعت اعتقادی ندارند و می گویند ما زیر فیض هستیم همچنین پروتستانها برای هیچ یک از بیانیه های کلیسا و شوراها و اعتقادنامه های کلیسایی ارزش و قداست قائل نیستند و آنها را مصوبه هایی معمولی فاقد ارزش الهی و آسمانی می دانند ولی کاتولیکها و ارتدوکسها برای بیانیه ها و مصوبه های کلیسایی و اعتقادنامه های مسیحی ارزش الهی و قداست قائل هستند و قسمتی از شریعت خود را از آنها اخذ می نمایند.

7- پروتستانها همانند ارتدوکسها به برزخ اعتقاد ندارند، چون بحث اعتقاد به برزخ در کتاب اپوکریفاست که پروتستانها آنرا قبول ندارند.

8- پروتستانها فقط برای پدر آسمانی و عیسی مسیح و روح القدس قداست قائل هستند و برای مریم باکره هیچگونه قداستی قائل نیستند که هیچ، برخی از فرقه های پروتستان بلکه مریم را گناه کار و کافر می دانند.

9- کلیساهای پروتستان ساده تر از کلیساهای کاتولیک مجلل و پر زرق و برق است و بر روی دیوارهای داخلی اکثر کلیساهای پروتستان نقاشی هایی از پدر پسر و روح القدس ترسیم شده ولی بر روی هیچ یک از تصاویر هاله ای نورانی یا حائل نور دیده نمی شود و نشان دهنده این است که تصاویر هیچگونه قداستی ندارند حتی تصاویر پدر و پسر و روح القدس. پروتستانها هیچگونه قداستی برای روحانیون یا قدیسان مسیحیت قائل نیستند و در کلیساهای آنها به ندرت پیکره دیده می شود و اگر هم باشد جنبه نمادین و تزئینی دارد نه مقدس و تقدیس شده.

10- روح القدس برای عمل کردن در مؤمنان از «پدر» صادر می شود. این متن اظهار نامه ی ایمان است که مورد توافق کلیسای ارتدوکس و کاتولیک بوده است. کاتولیکها روح القدس را صادر از پدر می دانند و پروتستانها معتقدند که روح القدس از خدای پدر و هم از خدای پسر صادر میشود و برای صدور روح القدس خدای پدر و پسر (عیسی مسیح) با هم عمل می کنند از آنجایی که در پروتستان فرقه های بسیار زیاد و گوناگونی ایجاد گردیده است برخی از فرقه های پروتستان منشاء روح القدس را از پسر می دانند نه از پدر.

11- کاتولیک ها عشای ربانی را به منزله ی تقدیم قربانی به خداوند می دانند که لازم است تحت اشراف روحانیان انجام پذیرد. به علاوه، بر این مطلب پای می فشارند که در مراسم عشای ربانی، نان و شراب حقیقتاً و ذاتاً به خون و گوشت مسیح تبدیل می شود و این آموزه را تبدل جوهر می نامند. اما پروتستان هر دو مطلب را رد می نماید و معتقد است خداوند در همه جا حضور دارد و نان و شراب صرفاً نماد و یادگاری به یاد عیسی مسیح در آیین عشای ربانی است و اعتقاد دارند که نان و شراب حقیقتاً و واقعاً به خون و گوشت مسیح مبدل نمی شود یعنی تغییر و استحاله واقعی به بدن مسیح را انکار میکنند.

12- یکی دیگر از موارد اختلاف، مسئله ی اعتراف است. در کاتولیک و ارتدوکس شخص گناهکار مقابل کشیش می ایستد و اعتراف خود را در حالی که سرش را به موازات کمر بند کشیش خم کرده، اظهار و اعلام پشیمانی می کند. کشیش نیز شخص توبه کننده را به تناسب بزرگی گنااهش به دعا، روزه و زیارت های مخصوص مکلف می سازد. کلیسای پروتستان با اعترافات و آمرزش گناهان به دست کشیش و با شفاعت خواستن از مقدسات مخالف است.

13- کاتولیک ها مناصب کلیسایی را به 7 رتبه تقسیم می کنند، پاپ، کاردینال، اسقف، کشیش، شبان، خادم، شماس، اما ارتدکس ها مناصب را تنها سه رتبه می دانند: اسقف، کشیش و شماس، ولی پروتستان ها مناصب را پنج مرتبه می دانند: اسقف، کشیش، شبان، خادم، شماس.

14- دعا برای مردگان، که در کلیسای کاتولیک و ارتدکس تجویز شده است، در کلیسای پروتستان فاقد ارزش است. به گفته ی لوتر، زیارت اماکن مقدس، برگزاری مراسم دعا برای مردگان بی ارزش است و باید از بین برود.

15- پروتستانها برای حصول نجات، ایمان را کافی میدانند و معتقدند که نجات و رستگاری مخصوص عمل مشخص نیست و تنها از طریق فیض الهی و در ضمن ایمان پدید می‌آید.

16- پروتستانها کتاب مقدس را تنها منبع و مأخذ اصول اعتقادی و اعمالی خود میدانند ولی کاتولیکها کتاب مقدس، تعلیمات رسمی کلیسا (موعظه های پاپ و قدیسان)، سنت و ارتدکسها سنت و کتاب مقدس را منبع و مأخذ و مرجع خود می دانند.

17- در قرن پنجم میلادی، مناقشه نستوریوس بر سر دو طبیعت الهی و انسانی مسیح دقیقاً از عنوانی سرچشمه گرفت که در کلیساها برای مریم به کار می‌رفت، یعنی عنوان "حامل خدا" نستوریوس که اسقف شهر قسطنطنیه بود، در نیمه اول قرن پنجم به کاربرد این عنوان اعتراض کرد و به جای آن کاربرد عنوان "مادر مسیح" را پیشنهاد نمود. این پیشنهاد با اعتراض عده‌ای دیگر از اسقفان مواجه شد که می‌گفتند از آنجا که مسیح خدا است، لذا ایرادی بر عنوان "حامل خدا" یا "مادر خدا" وارد نیست. از این مناقشه بود که اعتقادنامه معروف کالسدون پدید آمد که امروزه برای همه مسیحیان از هر فرقه و کلیسایی الزام‌آور است. برخی کلیساها به کاربرد عنوان "حامل خدا" ادامه دادند. سپس از همان دوره‌ها رسم شد که در نیایشها، از مریم (مقدس)، با عنوان "مادر خدا" تکریم به عمل آید. این تکریم در طول زمان، تبدیل شد به پدیده‌ای که چندان از پرستش فاصله نداشت، طوری که در بعضی از کلیساهای کاتولیک، به‌هنگام تکریم مریم، کلمات و اصطلاحاتی به کار می‌رود که برای یک مسیحی پروتستان، عیناً همان اصطلاحاتی است که برای پرستش خدا مورد استفاده قرار می‌گیرد. گرچه یک کاتولیک یا ارتدوکس آگاه می‌داند که پرستش تنها مختص خدا است، اما متأسفانه عامه کاتولیک‌ها گاه تمایزی میان این دو قائل نمی‌شوند. عنوان "حامل خدا" اصطلاحی است که در کلیساهای یونانی زبان به کار می‌رفت (به یونانی: "تئوتوکوس"). نستوریوس پیشنهاد کرد که به‌جای آن، از عنوان "کریستوتوکوس" استفاده شود، یعنی "مادر خدا". کلیساهای لاتینی‌زبان، به‌جای اصطلاح یونانی "حامل خدا"، اصطلاح لاتینی "مادر خدا" را به کار می‌برند. کاتولیک‌ها معتقدند که مریم، مادر کلیسا است و کلیسا را در دامن خود پرورش می‌دهد، او ملکه رسولان و ملکوت تلقی می‌گردد. همچنین از آنجا که او مادر مسیح بوده، برای او نقشی بسیار مهم در تدبیر نجات قائل‌اند. عقیده دیگری که از قرن چهارم مطرح بوده، صعود جسمانی مریم به آسمان می‌باشد. بعضی از پدران کلیسا بر این باور بودند که پیکر مقدس مریم، "حامل خدا" نمی‌توانسته پس از مرگ دچار همان فساد شده باشد که جسد هر انسان دیگری دچارش می‌شود. لذا این اعتقاد پدید آمد که پیکر او پس از مرگ، به همراه روح او، به آسمان برده شده است. کاتولیک‌ها روز 15 ماه اوت را به مناسبت عید عروج مریم (مقدس) مادر خداوند جشن می‌گیرند. پاپ پیوس دوازدهم، در سال 1950 میلادی، عروج جسمانی مریم را رسماً اصلی جزئی اعلام داشت